

مقدم است یا

تعلیم

تزکیه

ابوالفضل بهرام پور

﴿ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياتك ويعلمهم الكتاب والحكمة ويزكيهم﴾

(بقره، ۱۲۹/۲)

متأسفانه، افراط در ساده نویسی، موجب سهل انگاری شده و در مواردی کار به ابتدال کشیده شده است. در بعضی تفاسیر جدید مانند «تفسیر نور»، مطلب مهم - تزکیه مقدم است یا تعلیم؟ -، به این صورت مطرح شده است:

«در قرآن در سه مورد تزکیه مقدم بر تعلیم آمده است. در این آیه در دعای ابراهیم (ع) تعلیم مقدم بر تزکیه شده. گویا تصور حضرت ابراهیم، مقدم بودن تعلیم است؛ اما خداوند در اجابت دعا، تزکیه را مقدم دانسته، تا به ابراهیم هشدار دهد که تزکیه با ارزش تر است و تعلیم در مرتبه بعدی است!!».

جای بسی تعجب است که بزرگ مردی که در ملکوت عالم سیر داده شده، این مطلب ساده را نمی دانسته و بعد از قرن ها خداوند در قرآن به او هشدار می دهد!! این گونه نویسندگان اگر سکوت کنند، ثوابش بیشتر است.

اینک می پردازیم به تفصیل بحث :

در این موضوع سه نظریه مطرح کرده اند: عده ای تزکیه را مقدم می دانند و عده ای تعلیم را و عده ای هم ممکن است قایل به معیت شوند. برای هر یک از سه نظریه دلایلی اقامه کرده و پس از داوری میان آنها، نظریه چهارمی را عنوان خواهیم کرد.

۱. دلیل آنانی که تزکیه را مقدم دانسته اند، سه آیه ای است که تزکیه را مقدم داشته است و این دلیل عقلی را هم بر آن افزوده اند که هدف اصلی از عبادت و رسالت پیامبران، ساختن درون انسان است. حال این گروه باید به دو سؤال پاسخ دهند؛ یک: آیا بدون آموزش و تعلیم می توان تزکیه نمود؟ چرا که تزکیه بر پایه معرفت امکان می یابد. دو: آیه ای را که در آن تعلیم اول ذکر شده چگونه توجیه می کنند؟ اینان پاسخ علمی و قانع کننده ای در این زمینه، ندارند.

۲. آنان که تعلیم را مقدم می دانند، دلیلشان آیه مورد بحث است که تعلیم را اول آورده است؛ و دلیل عقلی آنان این است که بدون ایجاد معرفت و تعلیم، نمی توان کسی را به تزکیه وادار نمود.

اگر انسان، علم و آگاهی به معارف دینی از قبیل: خدا، معاد، نفس، کیفر و ثواب پیدا نکند، برای اقدام به مفاد تزکیه، انگیزه ای پیدا نخواهد کرد، و اما آیات سه گانه ای که تزکیه را مقدم بر تعلیم آورده است، در مقام تفهیم این موضوع است که مقصد اصلی در کار انبیا همان تزکیه است. در تربیت انسان مقصد اصلی باید تزکیه باشد و اگر تعلیم بدون توجه به تهذیب مطرح شود، انسان به یک حیوان متخصص تبدیل خواهد شد. قرآن چنین افرادی را به دراز گوش حامل کتاب تشبیه فرموده است: «کمثل الحمار یحمل اسفارا...» (جمعه، ۵/۶۲)

این پاسخ هر چند حاوی مطالب خوبی است اما پاسخ قانع کننده ای نیست زیرا در سه آیه، به طور صریح تزکیه مقدم شده است.

۳. آنان که قایل به معیت هستند، معتقداند که اصولاً در موضوع تربیت و تزکیه، تقدم و تأخر معنی ندارد و این دو از هم جدا نیستند تا بگوییم کدام یک مقدم و کدام مؤخر است. قرآن کریم کتاب تربیت و تهذیب انسان است و عناصر تربیت به هم مربوط اند. لذا مسایل اجتماعی، اخلاقی، دنیوی، اخروی، نظامی و مالی در قرآن به طور آمیخته مطرح شده و فصل بندی شده نیست. مثلاً در حالی که در یک سوره سخن از جنگ است، در کنارش صحبت از عبادت و سیر مسایل مالی و گاهی موضوعات عرفانی و غیره به میان آمده است.

در عالم طبیعت نیز قانون رشد و تکامل، این چنین است. رشد درخت یا جنین در تمام ابعاد، در یک زمان و بدون تقدم و تأخر انجام می گیرد و ظاهر آیات چهارگانه نیز با این نظر سازگار است، یعنی تقدم تزکیه در سه آیه و تقدم تعلیم در یک آیه دیگر، با هم بودن آنها را حکایت می کند. اگر تقدم و تأخر منظور بود می بایست، تزکیه و تعلیم با حرف «فاء» عطف می شد: «یزکیهم فیعلمهم، تزکیه می کند و پس از آن تعلیم می دهد»، در حالی که در همه این آیات با حرف «واو» عطف شده است که به معنی جمع مطلق است و از نظر ادبیات عربی تقدیم و تأخیر را حکایت نمی کند.

این نظریه هر چند نقاط مثبت زیادی دارد، اما یک اشتباه در آن وجود دارد که فهم آن نیاز به دقت زیادی دارد. درست است که در عالم طبیعت، همه عناصر با هم و در یک زمان رشد می کنند و تقدم و تأخیری در میان نیست ولی این قانون، در تربیت و تهذیب نفس انسانی جاری نیست. زیرا انسان موجودی مختار بوده و تصمیم گیرنده است و عملاً می بینیم که انسان صرفاً تعلیم را می پذیرد و در علوم مختلف - چه طبیعی چه دینی - رشد می کند تا جایی که بدون تزکیه ممکن است در علوم دین به تخصص هم برسد ولی در مواردی اتفاق افتاده است که شخص بعد از گذراندن مرحله تعلیم، به ناگاه با دیدن یک ماجرای تکان دهنده یا شنیدن سخنی حکیمانه یا تذکار آیه ای از قرآن، به وادی تزکیه و خودسازی در آمده است. از طرفی نمی توان صراحت آیات سه گانه را در تقدم تزکیه نادیده گرفت و آن را به معیت حمل کرد، پس نظریه معیت هم نمی تواند اشکال اصلی را برطرف سازد.

۴. اما نظری که مزایای نظریه های فوق را داراست و با صراحت آیات کریمه مذکوره نیز مطابقت دارد، تحلیلی است که از نظر گرامیتان می گذرد: تزکیه بر تعلیم مقدم است! در آیات چهارگانه تزکیه در میان دو تعلیم قرار گرفته است. با کمی دقت متوجه می شویم که در هر یک از این آیات، سه مرحله ذکر شده است:

۱. تلاوت آیات، که تعلیم معارف دینی است.

۲. تزکیه.

۳. تعلیم کتاب.

مسأله تلاوت در هر چهار آیه، قبل از تزکیه و تعلیم آمده و شامل همه موعظه ها، سخنرانی های دینی و مطالعه کتب معارف اسلامی می گردد. بنابراین، معرفت و معلوماتی که برای تزکیه لازم است، در مرحله تلاوت آیات حاصل می شود و تعلیم کتاب و حکمت

در مراحل بعدی قرار دارند که آموزش تخصصی و حوزه ای دین است. در واقع تعلیم برای خواص و تلاوت برای عموم است. تعلیم کتاب و حکمت وقتی دارای ثمر است که انسان در سایه تلاوت آیات، تزکیه شده باشد و گرنه علم در دست این گونه افراد بی تزکیه شمشیری است که به دست زنگی مچنون داده باشند. گاهی، همین تلاوت و تعلیم اولیه درباره انسان های مستعد، تزکیه می آفریند، به دلیل اینکه قرآن فرموده: «اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا، و چون آیات الهی بر آنان تلاوت شود، ایمانشان را می افزایش دهد...» (انفال، ۲/۸). بنابراین در این چهار آیه تلاوت مقدم بر تزکیه و تعلیم است و تزکیه نیز بر تعلیم کتاب و حکمت مقدم است.

۱. ... رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الكتاب والحکمه

(جمعه، ۲/۶۲)

۲. ... رسولاً منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یرزقکم و یعلمکم الكتاب والحکمه

(بقره، ۱۵۱/۲)

۳. ... رسولاً من انفسهم یتلوا علیهم آیاتک و یرزقهم و یعلمهم الكتاب والحکمه

(ال عمران، ۱۶۴/۳)

۴. ... رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الكتاب والحکمه و یرزقهم

(بقره، ۱۲۹/۲)

تنها یک اشکالی باقی می ماند که در آیه ۱۲۹ دعای ابراهیم پس از تلاوت، به جای تزکیه، تعلیم جلو افتاده است.

جواب: حضرت ابراهیم علیه السلام در مقام دعا تقاضا کرد که خدا در ذریه او کسی را مبعوث کند که به تعلیم و تزکیه مردم بپردازد. و در مقام دعا و پیشنهاد، تقدم و تأخر نقشی ندارد بلکه این مسؤل اجراست که در مرحله عمل باید تقدیم و تأخیر را رعایت کند!

مثال: شما به مهندسی پیشنهاد می کنید که برای شما ساختمان سه طبقه ای که دارای چند اتاق و سرویس کامل است، بسازد؛ اینجا برای شما فرق نمی کند که اول تشکیلات طبقه سوم را پیشنهاد کنید یا طبقه اول را و لکن مهندس در مرحله اجرا و شروع کار، نخست باید طبقه اول را بسازد. از این رو می بینیم در این آیه، ابراهیم در مقام دعا و درخواست، تعلیم را پیش از تزکیه ذکر کرده است زیرا در این مقام برای او تفاوتی نمی کرده است که کدام را مقدم بدارد ولی در سه آیه دیگر که سخن از پیاده شدن اجرایی رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و تحقق بخشیدن به دعای ابراهیم علیه السلام است، تزکیه مقدم شده است.